

می‌شدند. افزون بر این، هدف امامان (ع) در گفت‌وگوها اثرگذاری بر مخاطب بوده و در این رهگذر، شیوه مواجهه با مخالفان، مقدم نمودن مدارا بر مقابله بوده است. در بخش آخر نیز به تحلیل دوران‌های مختلف تاریخی و تأثیر آن بر روش تبلیغ و ارتباط ائمه اطهار (ع) با مخاطبان پرداخته شده است. بررسی این دوران‌ها نشانگر آن است که شکل مواجهه امامان (ع) با توجه به اقتضائات زمانی تغییر یافته است. در پایان با ذکر این نکته که ائمه اطهار (ع) با هدف مشترک و روش متفاوت به احیای سنت نبوی و حفظ اسلام پرداخته‌اند کلام پایان یافته است.

کلیدواژه‌ها: ائمه اطهار (ع)، روش، مواجهه، گفت‌وگو، مناظره، مخاطبان

درآمد

هدف از مطالعه سیره امامان (ع) دستیابی به الگویی برتر برای مسلمان جهان است. در این راستا شناخت نوع و روش ائمه معصوم (ع) در مواجهه با

طیف گسترده مخاطبان از اهمیت والایی برخوردار است. گفت‌وگو و مناظره از مهم‌ترین روش‌های ارتباطی امامان شیعه (ع) در انتقال معارف الهی بوده است. بنابراین، آگاهی از شیوه‌های ائمه اطهار (ع) در گفت‌وگو و اقتناع مخاطبان ضرورت می‌یابد. همچنین، تحلیل و بررسی شرایط و جو حاکم بر دوره‌های حیات ائمه اطهار و شناخت نوع مخاطب و تطبیق آن با نحوه عملکرد و مواجهه امامان با ایشان امری قابل توجه و تأمل است. شیوه‌های به‌کار گرفته شده توسط ائمه اطهار حاکی از آن است که آنان در سایه اهداف مشترک به نشر فرهنگ اسلام و تبلیغ دین پرداخته‌اند. لیکن، با ارزیابی اقتضائات زمانی و شرایط مخاطب، روابط خود را شکل می‌دادند و مواضع صحیح را اتخاذ می‌کردند.

۱. شیوه‌شناسی ارتباط ائمه اطهار با

مخاطبان

اصول و فنون گفت‌وگوی امامان شیعه

مبانی اصلی در گفت‌وگوهای امامان شیعه بر پایه

روش ائمه اطهار (ع) در مواجهه با مخاطبان

دکتر محمدرضا شاهرودی، استادیار دانشکده الهیات دانشگاه تهران
سپیده فاطمه هاشمی، دبیر دینی و قرآن مدارس

چکیده

حیات جامعه اسلامی منوط به الگوپذیری از ائمه اطهار (ع) است. این مهم با تحلیل و استخراج شیوه‌های به‌کارگیری ایشان در مواجهات گوناگون و تطبیق آن با شرایط کنونی حاصل می‌شود.

در این پژوهش، ابتدا به شیوه‌شناسی گفت‌وگوها و مناظرات امامان شیعه (ع) پرداخته شده است. بدین صورت که از یک سو ائمه اطهار (ع) برای هدایت مخاطب از برترین شیوه‌های مؤثر همچون بهره‌گیری از استدلال و رعایت آداب اخلاقی بهره می‌گرفتند. از سوی دیگر، مخاطب‌شناسی امامان (ع) از نکات قابل توجه در این پژوهش است. ایشان با توجه به اعتقادات، ظرفیت و سطح فهم مخاطب با آنان روبه‌رو

سه منبع اصلی عقل، قرآن کریم و سنت رسول الله (ص) است.

در این بخش به برخی از مهم‌ترین شیوه‌های معصوم در گفت‌وگو و مناظرات اشاره می‌کنیم.

محسوس‌سازی معقولات

یکی از شیوه‌های مؤثر و رایج برای انتقال پیام در گفت‌وگوها استفاده از تشبیه معقول به محسوس برای دستیابی به فهم و درک آسان‌تر مطالب عقلی است.

در قرآن کریم (سوره رعد؛ ابراهیم ۱۸) و روایات معصوم به وفور از این شیوه برای تبیین معارف و انتقال پیام استفاده شده است. امامان برای توضیح مباحث مربوط به توحید که از درک محسوس بشر فراتر است، نخست با استفاده از مثال‌های ساده که مردم در زندگی روزمره با آن سروکار دارند به استدلال می‌پرداختند و آنگاه که تفهیم مطالب صورت می‌گرفت، با عرضه استدلال‌های عقلی و نظری آن را تبیین و تفصیل دادند.

برای نمونه، امام علی (ع) در پاسخ به دانشمند یهودی که از «وجه رب» پرسیده بود، فرمود: «همانا پروردگار من به آتشی ماند که شرق و غرب برای اوست و هر جا نظر کنی روی او را می‌بینی» (ابن بابویه، ۱۳۶۲: ۵۹۷).

کشف تناقضات موجود در کلام مخاطب

ناسازگاری و دوگانگی عقاید فرد دلیل ضعف و سستی عقاید وی است. امامان با واکاوی عقاید شبهه‌کننده این ناسازگاری را آشکار می‌کردند و نادرستی ادعای فرد بر همگان روشن می‌گشت برای نمونه امام رضا (ع) در گفت‌وگو با جاثلیق درباره علت اعتقاد به الوهیت حضرت عیسی (ع) پرسش می‌فرمایند و جاثلیق با اشاره به معجزات حضرت عیسی که در اناجیل آمده (زنده کردن مرده، شفای بیماران و...) می‌گوید: «کسی که چنین کارهایی انجام دهد، خداوند و در خور پرستش» است. حضرت رضا با استناد به گزارش‌های تورات، از برخی دیگر از پیامبران بنی اسرائیل (یسع و حزقیل) برای او مثال زدند که همچون حضرت عیسی (ع) مردگان را زنده می‌کردند، ولی پیروان آنان هرگز آنان را پرستش نمی‌کردند و فرمودند اگر چنین معجزاتی دلیل بر اولوهیت است، شما باید درباره آنان نیز چنین اعتقادی داشته باشید، در حالی که چنین نیست. حال چرا با اینکه آنان پیش از حضرت عیسی

چنین معجزاتی آوردند، به الوهیتشان معتقد نیستید؟ جاثلیق که در برابر استدلال حضرت ناتوان مانده بود، به توحید و وحدانیت خداوند اقرار کرد (طبرسی، ۱۴۰۳ ق: ۱۹ - ۴۱۷).

رعایت آداب اخلاقی گفت‌وگو

با توجه به آنکه یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین راه‌های استحکام ارتباط، اخلاق و آداب معاشرت است، یک مورد از اصول اساسی آداب اخلاقی ائمه اطهار (ع) در گفت‌وگو و مناظرات را بیان می‌کنیم.

اصل رفق و مدارا

رفق و مدارا یکی از کارسازترین شیوه‌ها برای جذب مخاطبان و تحت‌تأثیر قرار دادن آن‌هاست. به عبارت دیگر، نفوذی که از این طریق حاصل می‌شود، نفوذ در دل‌هاست و نفوذ در دل‌ها قوی‌ترین و مؤثرترین نفوذ است.^۲ در سیره تربیتی پیشوایان دینی تأکید و سفارش ویژه‌ای نسبت به رفق و مدارا در تعامل با مردم شده است. بر همین اساس، خداوند در برخورد با افراد سرکش و طغیان‌گر به پیامبران سفارش به قول لین و نرم می‌فرمود: «فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَیِّنًا (طه/۴۳)». بنابراین، اصل کلی بر رفق و مدارا است، چراکه هدف از این تعامل اثرگذاری است و کلام ملایم مؤثرتر واقع می‌شود، اما باید توجه داشت که هدف از این تعامل اثرگذاری است و کلام ملایم مؤثرتر واقع می‌شود، اما باید توجه داشت که این مسئله هیچ‌گاه به صورت مطلق و دائمی منطقی و پسندیده نیست. گاهی شرایط خاص ایجاب می‌کند با افراد نامعقول نوع دیگری برخورد شود. حضرت علی (ع) در سفارش به یکی از کارگزاران خود می‌فرماید: «و ارفق ما کان الرفق ارفق، و اعترم بالشدة حین لا تغنی عنک الا الشدة» (نهج البلاغه/ نامه ۴۶) (در آنجا که مدارا کردن بهتر است، مدارا کن، اما آنجا که جز با شدت عمل کار از پیش نمی‌رود، شدت عمل را به کار ببنند) بنابراین، در برخورد با افرادی که تنها در جست‌وجوی منافع شخصی خود هستند و آگاهانه به مقابله با حق می‌پردازند، گاهی ضرورت می‌یابد روش‌های قاطعانه اعمال شود.^۳

استدلال در گفت‌وگو

در گفت‌وگو و مناظره آنچه اهمیت فراوانی دارد، اقامه دلیل و برهان برای اثبات حقایق است، چرا که عقل سلیم سخن منطقی را پذیراست. یکی از شیوه‌های امامان شیعه در تبیین معارف



در گفت‌وگو و مناظره آنچه اهمیت فراوانی دارد، اقامه دلیل و برهان برای اثبات حقایق است، چرا که عقل سلیم سخن منطقی را پذیراست

و فهم است بیان شود و از ذکر آنچه برای عموم قابل ادراک نیست، خودداری شود.

گونه‌های مخاطبان ائمه اطهار

سیره اهل بیت(ع) بهترین الگو برای ارتباط با افراد و گونه‌های مخاطبان است. آنان با توجه به شناخت کاملی که از شرایط حاکم بر اشخاص و فرهنگ جامعه و تفکرات متنوع داشتند، بهترین شیوه‌های اخلاقی و رفتاری را اتخاذ می‌کردند که نهایت اثر را در فرد داشته باشد. مخاطبان امامان را می‌توان به چهار دسته تقسیم کرد.

الف. اهل کتاب

صاحبان کتاب، به‌عنوان فرقه‌های غیراسلامی، بخشی از مخاطبان ائمه اطهار(ع) را تشکیل می‌دادند. در میان اهل کتاب سه گروه وجود دارد. که شیوه برخورد اسلام با هر گروه تفاوت‌هایی داشته است.

۱. گروهی حق‌جویان راه حق و افرادی نیک سرشتند که قرآن کریم به سوتپیش آنان می‌پردازد: «لَيْسُوا سَوَاءً مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ أُمَّةٌ قَائِمَةٌ يَتْلُونَ آيَاتِ اللَّهِ آنَاءَ اللَّيْلِ وَهُمْ يَسْجُدُونَ» آل عمران/۱۱۳. گفته‌اند، آیه مذکور درباره مسیحیانی است که متمایل به پذیرش اسلام بوده‌اند (جعفریان، ۱۳۷۳: ۵۴۰).

امامان همواره فرصت‌هایی را ایجاد می‌کردند که مسیحیان و یهودیان در فضای آزاد فکری سؤالات و شبهات خود را بدون هیچ تکلفی بپرسند. در این جلسات گفت‌وگو و پرسش و پاسخ نهایت حلم و بردباری را نشان می‌دادند و با رفتاری نیکو آنان را به سمت حق سوق می‌دادند. برای نمونه، در زمان خلافت امام علی(ع) زره آن حضرت گم شد. پس از چندی نزد مردی از اهل کتاب پیدا شد. علی به او فرمود این زره برای من است، ولی آن مرد انکار کرد. امام علی او را به محضر قاضی برد و اقامه دعوی کرد که این زره از آن من است، نه آن را فروخته‌ام و نه به کسی بخشیده‌ام و اکنون آن را در نزد این مرد یافته‌ام، شریح قاضی دادگاه، به آن مرد گفت: خلیفه ادعای خود را اظهار کرد، تو چه می‌گویی؟ او گفت: این زره مال خود من است. قاضی رو به امام کرد و عرضه کرد: شما مدعی هستید و این شخص منکر است. به همین جهت، ارائه شاهد برعهده شماست. حضرت علی خندید و فرمود: قاضی راست می‌گوید: اکنون باید شاهد آورم. ولی من شاهدی ندارم. قاضی روی این اصل که مدعی شاهد ندارد، به نفع آن مرد حکم کرد و او هم زره را برداشت و رفت. مرد که خود بهتر می‌دانست زره برای چه کسی

الهی، به‌کارگیری استدلال و برهان در گفت‌وگو و مناظره بوده است. ایشان در مواجهه با طیف گسترده مخاطبان، با توجه به میزان سطح درک و فهم مخاطب، از استدلال استفاده می‌کردند که مخاطب قابلیت ادراک آن را داشته باشد.

بیان برهانی، ویژگی کلام ائمه معصوم(ع) در گفت‌وگو با مخاطبان مختلف بوده است. ایشان در پاسخ‌گویی به شبهات با سعه‌صدر به مخاطب اجازه می‌دادند دلایل و براهین خود را ارائه دهد و سپس به رد ادله آن‌ها می‌پرداختند تا آنجا که مخاطب در برابر استدلال قوی امام(ع) مغلوب می‌شد و به پذیرش حق روی می‌آورد. برای نمونه می‌توان به گفت‌وگوی امام رضا(ع) با شخصی که اعتقادی به خدا و روز قیامت نداشته، اشاره کرد. امام فرمود: ای مرد! اگر قضیه آن‌طوری است که شما بی‌دینان می‌گویید و این جهان آفریدگاری ندارد، ما با شما مساوی هستیم و این تکالیفی که انجام داده‌ایم، به ما ضرری نمی‌رساند. اما اگر عقیده ما درست باشد و خدایی در کار باشد و انسان‌ها تکالیفی داشته باشند، که قطعاً چنین است و خدا وجود دارد و بهشت و دوزخ هست، در این صورت ما نجات پیدا می‌کنیم و شما به هلاکت خواهید رسید (قوچانی، بی‌تا: ۵۲۹). در این مناظره، حضرت رضا(ع) با برهان معقولیت (برهان ضرورت دفع ضرر محتمل) به اثبات وجود خدا و روز معاد پرداخت و آن مرد نیز که پاسخ سؤالات خود را دریافت کرد و در برابر استدلالات محکم امام مغلوب گشت، شهادتین گفت و به دین اسلام مشرف شد.

۲. مخاطب‌شناسی و نقش آن در روش مواجهه امامان

شناخت مخاطب از عوامل مهم و تعیین‌کننده در هر گفت‌وگوی اثربخش است. برای شکل‌گیری ارتباط مؤثر عوامل متعددی تأثیرگذارند.

آگاهی از ظرفیت و استعداد، سطح فهم، اعتقادات، شرایط فکری و روحی مخاطب ما را یاری می‌کند. از روشی کارآمد برای انتقال پیام استفاده کنیم. همچنین، چنانچه شناخت کافی از مخاطب وجود نداشته باشد، گاه مفهوم پیام منتقل نمی‌شود و نتیجه عکس می‌دهد. معصومان مخاطب‌شناسی را برای انتقال تعالیم اسلامی ضروری می‌دانسته‌اند. چنانکه در روایاتی از رسول گرامی توصیه شده است که در سخن قدر فهم مردم در نظر گرفته شود. ایشان فرمودند: «کلموا الناس علی قدر عقولهم» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۸۵). بدین معناست که آنچه برای آنان قابل شناخت



آگاهی از ظرفیت و استعداد، سطح فهم، اعتقادات، شرایط فکری و روحی مخاطب ما را یاری می‌کند تا از روشی کارآمد برای انتقال پیام استفاده کنیم



مقصود از کج اندیشان افرادی هستند که در پی یافتن حق به خطا رفته‌اند. لذا امامان سعی در آشکار ساختن اندیشه‌های منحرف آنان داشتند

صحيح اسلامى در آنان نهادينه شده باشد، دیده می‌شود. و از طرف دیگر، اصلاح حقیقی جامعه به پشتیبانی افراد آگاه و متعهد نیازمند است. بنابراین، امامان شیعه برای حفظ مکتب اهل بیت در کنار تعلیمات کلی و عمومی به مردم به تربیت فردی شاگردان نیز همت می‌گماشتند. گاهی نیز یاران امام دچار لغزش‌هایی می‌شدند و یا با توجه به موقعیت حساس مسئولیت آنان، امامان هشدارهایی می‌دادند. برای نمونه نامه توییح‌آمیز امام علی(ع) به عثمان ابن حنیف در پی شرکت کردن وی در میهمانی سرمایه‌داری از بصره (نهج البلاغه/ نامه ۴۵) با وجود اینکه عثمان ابن حنیف از دوازده نفری بود که برخلاف ابوبکر معترض شده بود (مجلسی، ۴۰۳، ج ۲۸: ۲۰۳-۱۸۹؛ مامقانی، بی تا، ج ۲: ۲۴۵).
و شخصیتی کاردان و بصیر و مدیر و مدبر داشت (ابن عبدالبر، بی تا، ج ۳: ۹۰).
لیکن امیرالمؤمنین(ع) همواره مواظب کارگزاران خویش بوده‌اند. ایشان به تربیت اخلاقی یاران خود توجه ویژه‌ای داشت. اگر فردی مرتکب خلاقی می‌شد، به او تذکر می‌دادند. و اصل ساده‌زیستی کارگزاران را امری مهم می‌شمردند.

ج. مخالفان

گروهی از مخالفان از روی جهل و نادانی^۵ با اسلام و پیشوایان دین به مخالفت می‌پرداختند. به‌طور کلی، سیره معصوم در برخورد با جاهلان حلم و رفق و مدارا بوده است و از جدال با جاهلان بر حذر می‌داشتند. در حدیثی از امام رضا(ع) آمده است: با نادانان مراء نکن تا با تو با جهالت رفتار نکنند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲: ۱۳۷).

گروهی دیگر از مخالفان از روی عناد با اسلام به دشمنی می‌پرداختند. آن‌ها پس از شناخت حق و حقیقت آن را نمی‌پذیرفتند و از روی لجاجت و کینه‌توزی بر مخالفت خود اصرار می‌ورزیدند و از هر فرصتی برای ضربه زدن به اسلام استفاده می‌کردند. روش برخورد امامان با این گروه از مخالفان که آشکارا با حق به ستیز می‌پرداختند. برخورد محکم و قاطعانه بود. قرآن کریم نیز در مورد این نوع از مخالفان می‌فرماید: «وقاتلوا فی سبیل الله الذین یقاتلونکم ولا تعدوا ان الله لا یحب المعتدین» (بقره/۱۹۰).

برخورد قاطعانه معصوم، براساس اصل کیفیت استخدام وسیله، چارچوب و قوانینی دارد و این‌گونه نیست که شخص به سبب امر ظالمانه‌ای که مرتکب شده، بی‌قید و شرط مجازات شود، بلکه در سیره ائمه اطهار(ع) رعایت اصولی ثابت است و هیچ مستثنا هم ندارد.

است، دوباره بازگشت و گفت: این طرز حکومت و رفتار از نوع رفتارهای بشر عادی نیست، از نوع حکومت انبیاست. سپس اسلام آورد و اقرار کرد که زره برای علی است. طولی نکشید که او با شوق و ایمان در زیر پرچم علی با خوارج در جنگ نهروان جنگید (ابن اثیر، ۱۳۸۵، ج ۳: ۴۰۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳۴: ۳۱۶).

۲. گروهی دیگر از اهل کتاب بودند که دعوت به اسلام را نمی‌پذیرفتند، لیکن در ذمه اسلام قرار داشتند. موضع اسلام با این گروه از اهل کتاب دعوت به تفاهم و صلح در چارچوب قوانین اسلامی و پرداختن جزیه برای در امان ماندن آنان در حکومت اسلامی است. در سیره معصوم پابندی به روابط مسالمت‌آمیز با صاحبان ادیان گذشته به روشنی دیده می‌شود. در این باره، از رسول اکرم(ص) نقل شده که فرمودند: «هر کس به یکی از مجاهدان^۴ اسلام ستم روا دارد و بالاتر از طاقت او تکلیفی بر او تحمیل کند، در روز قیامت من خودم دشمن او خواهم بود» (بلاغی، ۱۳۶۰: ۵۷).

۳. گروه دیگری از اهل کتاب از روی عناد یا تعصب خواهان پذیرش اسلام نبودند. سیره امامان در برخورد با آنان مدارا گونه بود، لیکن حد مسالمت امام نیز مشخص بوده است. تا زمانی که آنان اقدامی در جهت باطل و ضربه به اسلام وارد نکرده بودند، به تأخیر انداختن جنگ، به‌عنوان اصلی در سیره امام در برخورد با مخالف دیده می‌شود. و اقدام نهایی آنان، جنگ حق علیه باطل بود، زیرا با ستمگران ملایمت و نرم خویی کارساز نیست.

در مجموع، مهم‌ترین عامل برخورد با اهل کتاب خیانت، پیمان‌شکنی و مبارزه علیه اسلام بوده است. کشتن ابوعفک، عصماء و ابورافع، به‌دلیل اقدامات و تحریکات آن‌ها علیه اسلام و پیامبر بود که منجر به قتل آن‌ها شد (صادقی، ۱۳۸۲: ۲۶۳).

ب. مؤافقان

می‌توان گفت: یاران حقیقی امامان شیعه در هر دوره از زمان اندک بودند. حتی زمانی که عصر رشد و بالندگی اسلام بود و تعداد شیعیان به ظاهر قابل توجه بود، جریان‌های متنوع فکری باعث پراکندگی شیعیان شده و اعتقادات آنان را دستخوش تغییر کرده بودند. برای نمونه، گفت‌وگوی سدید صدفی با امام صادق(ع) پیرامون تعداد دوستان و شیعیان ایشان، که حضرت فرمود، اگر یاران ما به ۱۷ نفر رسیده بود، بر جای نمی‌نشستیم (معارف، ۱۳۸۹: ۲۲۲). در این‌گونه روایات کمبود یارانی که تفکر

د. کج اندیشان

مقصود از کج اندیشان افرادی هستند که در پی حق به خطا رفته‌اند. لذا امامان سعی در آشکار ساختن اندیشه‌های منحرف آنان داشتند. به قول حافظ شیرازی:

جنگ هفتاد و دو ملت همه را عذر بنه
چون ندیدند حقیقت ره افسانه زدند (غزل ۱۸۴).
با بررسی رفتار عملی معصوم در مواجهه با فرقه‌ها و جریان‌های انحرافی، برخی از مهم‌ترین روش‌های تربیتی در مواجهه با این گروه از مخالفان را می‌آوریم:

برخورد فعالانه

در رویارویی با هر اندیشه ناصحیح برخوردارهای گوناگونی وجود دارد که می‌توان در یک تقسیم‌بندی کلی آن‌ها را به دو دسته منفعل و فعال تقسیم کرد.^۶ ائمه اطهار (ع) در مواجهه با فرقه‌های گوناگون موضع فعالانه داشتند و نسبت به اندیشه‌های انحرافی موجود در اجتماع بر مبنای اصل امر به معروف و نهی از منکر عکس‌العمل نشان می‌دادند. از نمونه‌های برخورد فعالانه معصوم با کج اندیشان می‌توان به ارسال نامه به رؤسای گروه‌های منحرف فرستادن نماینده به سوی آن‌ها، برگزاری مناظره، تذکر و هشدار مستقیم و... اشاره کرد.

اولویت اثرگذاری

روشی که امامان شیعه برای مقابله با مخاطب اتخاذ کرده بودند، بر مبنای اثرگذاری بود. بدین معنا که برای اصلاح اندیشه و تغییر رفتار شخص، از مؤثرترین برخورد استفاده می‌کردند. با ظهور فرقه‌های انحرافی، اولین هدف ائمه اطهار در این راستا تلاش برای هدایت به سوی اندیشه صحیح بوده است و در این راه از راهکارهایی استفاده می‌کردند که علاوه بر اثرگذاری بیشتر بر مخاطب، عوارض کمتری نیز داشته باشد. یکی از راهکارهای مقابله‌ای امام (ع) لعن و نفرین سران فرقه‌های انحرافی بود. این امر موجب می‌شد عقاید باطل آنان بر ملا شود و پیروانشان از عقاید باطل آنان فاصله بگیرند.

بهره‌گیری از استدلال

یکی دیگر از روش‌های امامان در مواجهه با کج اندیشان، تبیین حقایق دینی به وسیله استدلال‌های روشن عقلی بوده است. باید به این مسئله توجه داشت که خطر انحرافات بیش از خطر مخالفان است، چرا که حقیقت اسلام را

نهان می‌دارند و با ایجاد شک و شبهه پیروان اسلام را از راه اصلی منحرف می‌سازند. برای دفع این‌گونه انحرافات، مؤثرترین مبارزه مبارزه علمی و مدد از برهان و استدلال است. ائمه معصوم در مواجهه با افرادی که اعلام مخالفت آنان از روی شناخت ناکافی حق بوده است (کج اندیشان)، هرگز با جنگ آغاز نمی‌کردند، بلکه ابتدا با استفاده از استدلال آنان را به تفکر صحیح وا می‌داشتند.

آمادگی دفاع

آنچه در روش‌های قبلی ذکر شد، راه‌های مسالمت‌آمیز اصلاح اندیشه‌های کج بود. لیکن اگر اندیشه‌های کج به فتنه و کارخرابی می‌انجامید، امامان شیعه برای حفظ کیان اسلام مجبور به استفاده از راه‌های تهاجمی می‌شدند. جنگ جمل با ناکثان از نمونه‌های برخورد نظامی با جریان‌های انحرافی است.

۳. تحلیل روش امامان معصوم در دوره‌های مختلف تاریخی

طبق یک نظریه معاصر در نگارش کتاب‌های سیره‌شناسی، عبارت از بررسی زندگی ائمه (ع) به صورت دوره‌بندی تاریخی و تحلیل دوره‌هاست. منظور از دوره‌بندی تاریخی برای عملکرد مشابه یک یا چند امام در یک بازه زمانی خاص با هدف کشف اصول حاکم بر رفتار امامان است. تاریخچه این نظریه به پنجاه سال هم نمی‌رسد و اولین شخصی که دوره‌بندی زندگی ائمه (ع) را مطرح کرد، شهید سید محمد باقر صدر در کتاب «اهل‌البیت، تنوع الادوار و وحدة‌الهدف» بوده است. این بخش براساس دوره‌بندی شهید صدر به سه دوره تقسیم شده است. (صدر، بی‌تا: ۱۰۰). در این بخش، به‌وقایعی می‌پردازیم که در این دوره‌ها به وقوع پیوسته است و اقتضات زمانه و تحولات اجتماعی که در روش و تصمیمات ائمه اطهار مؤثر بوده است به روش‌های ارتباط ایشان با مخاطبان در ضمن سه دوره نیز اشاره می‌کنیم.

۱. دوران جلوگیری از انحراف (دوران سه امام نخست)

بعد از رحلت پیامبر اکرم (ص) دوره‌ای آغاز شد که با انحراف مردم همراه بود. ظاهر، ظاهر اسلام بود، اما در عین حال روح جاهلیت، یعنی حاکمیت غیر خدا در جامعه شکل گرفته بود و مردم درک صحیحی از رهبر جامعه اسلامی نداشتند. (پیشین). امامان در این دوره اقدامات



همچنین در دوره اول امامان خطبه‌ها و سخنرانی‌های فراوانی در رسوایی حاکمان جور و تنبیه مردم برای جلوگیری از انحرافات ابراد فرمودند

خود را با هدف جلوگیری از انحراف پیش گرفتند.

ارتباط با مردم

در این دوره شرایط قدری آرام‌تر از دوره‌های بعدی بود و خفقان جدی متوجه امامان نبود، اما در دوره‌های بعدی حاکمان جور مقاومت خود را اظهار و امامان شیعه را در تنگنای شدید قرار داده بودند. شرایط تبلیغ در این دوره به گونه‌ای بود که امامان آزادی عمل بیشتری داشتند و ارتباط مستمری میان آنان با مردم برقرار بود. برای نمونه، امام حسن(ع) هر روز در مسجد نماز می‌خواندند و به بیان احکام الهی و تعلیم و آموزش مردان و زنان مشغول بودند (ابن‌عساکر، ۱۴۱۵ق، ج ۸: ۱۳۹).

همچنین در این دوره امامان(ع) خطبه‌ها و سخنرانی‌های فراوانی در رسوایی حاکمان جور و تنبه مردم برای جلوگیری از انحرافات ایراد فرمودند. این خطبه‌ها با هدف روشن‌سازی افکار عمومی انجام می‌گرفت و به معرفی چهره حقیقی اسلام، شناخت حق از باطل و انتقاد از دولت‌های ستمگر می‌پرداخت.^۸

۲. دوران سامان‌دهی شیعه(امام سجاد تا امام صادق(ع))

در این دوران، حکومت امویان دچار ضعف شده بود و این امر موجب شد تا حدودی از ایجاد فشار و خفقان نسبت به امامان بازمانند. در این رهگذر، امامان فرصتی یافتند که به سامان‌دهی اوضاع شیعه بپردازند. امکان ارتباط مستقیم و مستمر میان امام و مردم غالباً در این دوره مهیا بوده است، لیکن به جهت نداشتن شرایط قیام مسلحانه، به مبارزه غیرمستقیم با حکومت می‌پرداختند و لذا روش‌های ائمه اطهار در جهت خنثی‌سازی دسیسه‌ها و توطئه‌های حکومت و نیز ترویج و تبلیغ مذهب تشیع بوده است.

ع طرق ارتباط با مردم الف. مؤعظه

با توجه به سیاست امامان در این دوره که مبارزه غیرمستقیم را برگزیده بودند، در مواردی، مفاهیم مورد نظر خود را آشکارا و صریح بیان نمی‌کردند و از شیوه مؤعظه استفاده می‌کردند تا حساسیت حکومت برانگیخته نشود. امام سجاد(ع) در روزهای جمعه در مسجد پیامبر(ص) مردم را مؤعظه می‌کردند و در غالب مواعظ مسئله امامت و بر حق نبودن حکومت آن زمان را مطرح می‌کرد. برای نمونه در بخشی از سخنان ایشان آمده است. «مردم! پرهیزگار باشید و بدانید که

به سوی خدا باز خواهید گشت. نخستین اموری که در قبر دو فرشته منکر و نکیر از آن سؤال خواهند کرد، «خدای» تو که او را عبادت می‌کنی و «پیامبر» تو که به سوی تو فرستاد شده است و «امام» تو که ولایتش را پذیرفته‌ای خواهد بود» (حرانی، ۱۳۶۳: ۲۴۹؛ کلینی، بی‌تا: ۷۲).

ب. مناظره

با توجه به آنکه در این دوره نهضت ترجمه شکل گرفت و از یک سو علوم فراوانی در زمینه‌های گوناگون وارد جامعه اسلامی شد و از سوی دیگر بر اثر پیدایش فرقه‌های گوناگون بحث‌های و گفت‌وگوها به اوج خود رسیده بودند، مناظره یکی از فعالیت‌های جدی و پرثمر این دوره محسوب می‌شد (معارف، ۱۳۸۹: ۲۲۳ - ۲۲۲). مناظره امام صادق(ع) با طیب هندی نمونه‌ای است. این طیب با علوم طب با وی به مناظره پرداخت و در پایان طیب که از علم امام متحیر شده بود، گفت: راست می‌گویید و من شهادت می‌دهم به یگانگی خداوند و اینکه حضرت محمد(ص) بنده و رسول اوست و شما نیز اهل زمان خود هستید(مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱: ۲۰۷).

۳. برگزاری جلسات علمی

در این دوره، به دلیل آرامش نسبی از جانب حکومت، فرصت مناسبی در جهت تربیت شاگردان و تبیین و نشر فرهنگ شیعه به وجود آمده بود. جلسات گوناگونی به صورت عمومی و خصوصی در مسجد و منزل اما با حضور دانشمندان و محققان برگزار می‌شد. نتیجه این آموزش تربیت شاگردانی متخصص و عالم در رشته‌های گوناگون بوده است. چنانکه گاهی امام افرادی را که برای مناظره و گفت‌وگو به خدمتشان می‌آمدند، به یکی از شاگردان که در آن رشته تخصص داشت ارجاع می‌دادند.

برای نمونه امام صادق(ع) مؤمن الطاق را مأمور مناظره در زمینه کلام کرده بودند(کشی، ۱۳۴۸: ۲۷۸ - ۲۷۵؛ تستری، ۱۳۸۶، ج ۳: ۴۱۶).

د. شبکه و کالت

شبکه و کالت ایده‌ای هوشمندانه بود که در عصر امام صادق(ع) به منظور سهولت دسترسی به امام تشکیل شد. پیش از آن، وجود چنین سازمانی غیرضروری بود. از وظایف و کلا در این دوره دریافت خمس و زکات، ارسال آن برای امام و همچنین گزارش حوادث و جریانات آن شهر و رساندن سؤالات و نامه‌های مردم به امام بوده است.

با توجه به سیاست امامان در دوره دوم که مبارزه غیرمستقیم را برگزیده بودند، در مواردی، مفاهیم مورد نظر خود را آشکارا و صریح بیان نمی‌کردند و از شیوه مؤعظه استفاده می‌کردند تا حساسیت حکومت برانگیخته نشود



برای اینکه
حکومت
عباسی حساس
نشود، امامان
فعالیت‌های
خود را مخفیانه
پیش می‌بردند.
بدین صورت که
زیر پوشش‌های
گوناگون،
فعالیت‌های
مذهبی انجام
می‌دادند

۲. مبارزه با انحرافات فکری

یکی از موضوعات مهم این دوره مبارزه امامان با انحرافات فکری جامعه بوده است. فرقه‌های منحرف کلامی در این دوران مشغول فعالیت بودند و ضمن ارتباط برقرار کردن با شیعیان درصدد تبلیغ و القای آرا و نظرات خود به آنان بودند (معارف، ۱۳۹۱: ۲۲). امامان در این دوره برای مبارزه با جریانات فکری از دو محور، مواجهه مستقیم و مواجهه غیرمستقیم، به مقابله با آنان پرداختند.

۳. دوران شیعه هراسی حکومت جور (امام کاظم تا غیبت)

در این دوره، با توجه به اقدامات امامان پیشین، شیعه شناخته شده بود و حکومت هراس زیادی از ناحیه امامان شیعه احساس می‌کرد. به همین جهت، شیعیان تحت نظارت شدید حکومتی قرار داشتند^{۱۲}

۲. طرق ارتباط با مردم

در این دوره نیز ارتباط هدایتگرانه امامان، با وجود همه فشارها و کنترل‌ها، قطع نشد. تنها کمیت و کیفیت آن تغییر یافت. این ارتباط به‌طور عمده به‌صورت غیرمستقیم و از طریق این روش‌ها با شیعیان برقرار بود:

الف. سازمان وکالت

شبکه وکالت راهبردی مؤثر بود که در زمان امام صادق پدید آمد و در دوره سوم از امام کاظم (ع) تا غیبت گسترش و توسعه یافت. حل معضلات فقهی - کلامی و جمع‌آوری خمس و زکات و ارسال آن برای امام از وظایف آنان بود. وکلای ائمه غالباً به وسیله نامه توسط فرد متقن با امام در ارتباط بودند (جعفریان، بی‌تا: ۵۱۳). برای نمونه امام هادی (ع) توسط ابوعلی بن راشد به پیروان خود در بغداد، مدائن، عراق و اطراف آن نامه‌ای فرستاد و طی آن نگاشت: «من... ابوعلی بن راشد را به جای حسین بن عبدربه و وکلای قبلی خودم برگزیدم و فرمان‌برداری از او همچون اطاعت از خودم لازم می‌دانم و نافرمانی نسبت به او را نافرمانی در برابر خود می‌دانم» (کشی، ۱۳۴۸: ۱۴ - ۵۱۳).

۴. فعالیت‌های سری

برای اینکه حکومت عباسی حساس نشود، امامان فعالیت‌های خود را مخفیانه پیش می‌بردند. بدین

صورت که زیر پوشش‌های گوناگون، فعالیت‌های مذهبی انجام می‌دادند. برای نمونه، شخصی از یاران امام حسن عسگری (ع) در پوشش روغن فروش و جوهات را جمع می‌کرد و در مشک‌های روغن تحویل امام می‌داد (طوسی، ۱۳۸۵ق، ۲۱۴) و یا گاهی برخی در پوشش دوره‌گرد و... خدمت امام می‌رسیدند و سؤال خود را می‌پرسیدند (بحرانی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۵: ۲۴۰).

نمایندگان مردم

تماس مستقیم با امامان به‌وسیله فرستادن افرادی از طرف شیعیان به محضر آنان، نوع دیگری از ارتباط میان امام و شیعیان بود (جعفریان، بی‌تا: ۵۵۱). از جعفر بن شریف جرجانی نقل شده است که گفت: «به زیارت‌خانه خدا مشرف شدم و در سامرا به خدمت امام حسن عسگری رسیدم، خواستم اموالی را که دوستان به‌وسیله من فرستاده بودند به آن حضرت بدهم. پیش از آنکه بپرسم به چه کسی بدهم، امام فرمود آنچه را همراه آورده‌ای به مبارک، خادم من، بسپار (اربلی، بی‌تا، ج ۲: ۴۲۷).

۲. مبارزه با انحرافات فکری

در این دوره همچون دوره قبلی (دوره دوم: «سامان‌دهی شیعه» جریاناتی انحرافی همچون غلات و واقفیه بودند. لیکن روش غالب ارتباط امامان به‌صورت غیرمستقیم بود و از مکاتبه و ارشاد غیرمستقیم برای هدایت و رساندن پیام هادی بخش به آنان استفاده می‌کردند. مقصود از ارشاد غیرمستقیم، ارشاد به وسیله شخصی دیگر است. بدین صورت که امام فردی را آموزش می‌داد و او را برای هدایت فرد منحرف می‌فرستاد. برای نمونه فیلسوفی به نام اسحاق کندی در زمان امام حسن عسگری به خیال آنکه در قرآن تناقض وجود دارد، به (ع) فکر تدوین کتابی در این باب می‌افتد. روزی یکی از شاگردان اسحاق کندی به محضر امام حسن عسگری مشرف شد. امام فرمود: به نزد اسحاق برو و به (ع) او بگو سؤالی به ذهنم رسیده است که دوست دارم آن را از تو بپرسم. او خواهد گفت سؤال کن. پس به او بگو: اگر آورنده این قرآن نزد تو بیاید و از تو بپرسد آیا این احتمال وجود دارد که مقصود خداوند از این گفتار غیر از آن باشد که تو پنداشته‌ای و در پی آن هستی؟ او به تو خواهد گفت: آری. چون چنین گفت، به او بگو: تو چه می‌دانی شاید منظور گوینده کلمات قرآن غیر از چیزی باشد که تصور کرده‌ای و او الفاظ قرآن را در

غیر معانی خود استعمال کرده باشد. آن مرد از حضور امام حسن عسگری (ع) مرخص شد و در فرصتی مناسب سؤال پیشنهادی امام را از کندی پرسید.

کندی این سخن را کاملاً صحیح یافت. سپس گفت: این سخن را از کجا آوردی؟ شاگردش گفت: این دستوری بود که امام حسن عسگری (ع) به من یاد داده است. گفت: درست گفתי، چرا که چنین سخنانی تنها از همان خاندان صادر می‌شود. سپس هر آنچه را نوشته بود، در آتش سوزاند (این شهر آشوب، ۱۳۷۹ق، ج ۴: ۴۲۴).

جمع بندی

برای هدایت به اندیشه صحیح و برپایی اصل امر به معروف و نهی از منکر، الگوپذیری از روش‌های تربیتی ائمه اطهار (ع) امری ضروری است. انسان‌ها می‌توانند با به‌کارگیری روش‌هایی همچون حفظ عزت‌نفس طرف مقابل، بهره‌گیری از استدلال قوی و متقن و رعایت آداب اخلاقی، بر میزان اثرگذاری بر مخاطبان بیفزایند. همچنین، توجه به ویژگی‌های مخاطب اعم از پیشینه فکری، اعتقادات و سطح فهم در انتخاب نوع روش تأثیرگذار است. از آنجا که ائمه اطهار در طول حیات پرافتخارشان هدفی مشترک داشتند که همان نهادینه کردن تعالیم اسلامی در جامعه است، مواجعات خود را به‌گونه‌ای تنظیم می‌کردند که بیشترین اثرگذاری را بر مخاطب داشته باشد. اقتضات زمانی و نوع مخاطب، روش‌های متفاوتی را در برخورد می‌طلبد و این امر در سیره ائمه اطهار به‌وضوح دیده می‌شود که ایشان در عین وحدت هدف، مواجعاتی به شکل‌های گوناگون داشتند که در صورت غیر آن برخورد، موجودیت اسلام تهدید می‌شد. بنابراین، برای قرارگیری در راستای هدفی واحد، همیشه به‌کارگیری یک روش سودمند نیست، بلکه به تغییر شکل مواجعه نیاز است و این مهم جز با زمان‌شناسی دقیق و وقوف کامل بر شرایط موقعیتی حاصل نمی‌شود. نتیجه آنکه تاکتیک‌های متفاوت ائمه اطهار ریشه در اختلاف هدف ندارد، بلکه نحوه عملکردشان متفاوت بوده است.

پی‌نوشت‌ها

۱. در باب معجزات حضرت مسیح ر.ک: انجیل متی، باب‌های ۴ و ۸.
۲. برای نمونه بنگرید به: آقا پیروز، علی و همکاران، مدیریت در اسلام، فصل ۳.
۳. برای نمونه بنگرید به: مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۱۴۷.
۴. معاهدان کسانی هستند که با مسلمانان پیمان بسته‌اند تا مدت معینی یا برای همیشه با آنان به جنگ نپردازند و در حالت صلح با آنان به سر می‌برند.
۵. اصطلاح جهل گاهی در مقابل مفهوم علم و گاهی نیز در مقابل عقل قرار می‌گیرد. در اینجا مقصود از جاهل «شد عاقل» است.
۶. مقصود از برخورد منفعلانه، برخوردی است که فرد نسبت به امر پیش آمده بی‌تفاوت باشد و منظور از برخورد فعالانه، برخوردی است که فرد با آگاهی و تدبیر نسبت به آن، واکنش نشان دهد.
۷. برای نمونه بنگرید به: کشی، محمد بن عمر، اختیار معرفة الرجال، ص ۵۱۸.
۸. برای نمونه بنگرید به: حرانی، حسن شعبه، تحف المعقول، ص ۲۴۴.
۹. برای نمونه بنگرید به: محمد، کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ج ۱، ص ۸۰ - ۷۹.
۱۰. برای نمونه بنگرید به: مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۲۷.
۱۱. برای نمونه بنگرید به: همان، ص ۳۰۷.
۱۲. برای اطلاع از جو حاکم بر جامعه در این دوران بنگرید به: مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۲۶۹.

منابع

۱. قرآن حکیم
۲. نهج البلاغه
۳. ابن اثیر، عزالدین علی بن محمد. الکامل فی التاریخ، بیروت، نشر دار صادر. ۱۳۸۵ ق.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی. الخصال. تصحیح علی‌اکبر غفاری. قم. جماعه المدرسین فی الحوزة العلییه. چاپ اول. ۱۳۶۲ ش.
۵. ابن شهر آشوب، محمد بن علی. مناقب آل ابی طالب. قم. علامه. ۱۳۷۹ ق.
۶. ابن عبدالبر، یوسف بن عبداللخ. الاستیعاب. بیروت. دار الجیل. بی‌تا.
۷. اربلی، علی بن عیسی. کشف الغمّة فی معرفة الاثمة. تحقیق سید هاشم رسولی. تبریز نشرینی هاشم بی‌تا.
۸. بحرانی، یوسف بن احمد. حدائق الناظره فی احکام الظاهر. قم. جماعه مدرسین. اول ۱۴۰۹ ق.
۹. بلاغی، صدرالدین. عدالت و قضا در اسلام. تهران. امیرکبیر. چاپ چهارم. ۱۳۶۰ ش.
۱۰. تستری، محمدتقی. قاموس الرجال. قم. جماعه المدرسین فی الحوزة العلییه. ۱۳۸۶ ش.
۱۱. جعفریان، رسول حیات‌فکری و سیاسی امامان شیعه. قم انتشارات انصاریان. بی‌تا.
۱۲. سیره رسول خدا. تهران. سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی. ۱۳۷۳ ش.
۱۳. حافظ شیرازی، خواجه شمس‌الدین محمد. دیوان حافظ. انتشارات در. ۱۳۷۹ ش.
۱۴. حرانی، حسن بن شعبه. تحف المعقول عن آل الرسول. قم. جماعه المدرسین فی الحوزة العلییه. ۱۳۶۳ ش.
۱۵. صادقی، مصطفی. پیامبر و یهود حجاز. قم. بوستان کتاب. چاپ اول. ۱۳۸۲ ش.
۱۶. صدر، سید محمد باقر. تنوع‌الادوار و وحدة الهدف، مؤسسه تحقیقات و معارف اهل بیت، بی‌تا.
۱۷. طبرسی، احمد بن علی. الاحتجاج علی اهل اللجاج. نشر مرتضی. چاپ اول. مشهد. ۱۴۰۳ ق.
۱۸. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن. الغیبه. نجف. مکتبه الصادق. ۱۳۸۵ ق.
۱۹. عطاردی قوچانی، عزیزالله. اخبار و آثار حضرت امام رضا. تهران. کتابخانه صدر. بی‌تا.
۲۰. کشی، محمد بن عمر. اختیار معرفة الرجال المعروف به رجال الکشی. مشهد مقدس. دانشگاه مشهد. دانشکده الهیات و معارف اسلامی. مرکز تحقیقات و مطالعات. ۱۳۴۸ ش.
۲۱. مامقانی، عبدالله. تنقیح‌المقال فی علم الرجال. تحقیق محمدرضا مامقانی و محی‌الدین مامقانی. قم. مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام لاحیاء التراث. بی‌تا.
۲۲. مجلسی، محمد باقر. بحار الانوار الجماعه لدر اخبار الاثمة. الاطهار. بیروت دار احیاء التراث العربی. ۱۴۰۳ ق.
۲۳. معارف، مجید. تاریخ عمومی حدیث. تهران. انتشارات امیرکبیر. چاپ ۱۱. ۱۳۸۹ ش.

